



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۳۳

جلسه: ۳۴

موضوع کلی: وجوه اعجاز قرآن

موضوع جزئی: اعجاز بیانی: ۱- اسلوب و سبک بیان قرآن

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث از وجوه اعجاز قرآن بود، عرض کردیم یکی از وجوه اعجاز قرآن اعجاز بیانی است. منظور از اعجاز بیانی ظرافت‌ها و نکته‌های بلاغی است که بیشتر به جنبه‌های لفظی مربوط است اگر چه اصل ظرافت و لطافت بلاغت به معنا و محتوا مربوط می‌شود. این وجه از اعجاز قرآن جلوه‌های گوناگونی دارد که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

### جلوه‌های اعجاز بیانی:

#### ۱- اسلوب و سبک بیان قرآن:

یکی از جلوه‌های اعجاز بیانی قرآن اسلوب و سبک بیان قرآن است چون قرآن در زمانی که نازل شد در یک سبک نو و روش تازه‌ای ارائه شد که برای عرب سابقه نداشت. شیوه‌های متعارف اسلوب بیانی چه در گذشته و چه در حال، قالب شعر، نثر و سجع است که هر کدام از اینها محاسن و معایبی دارند اما در قرآن از این سه شیوه استفاده شده به گونه‌ای که محاسن این شیوه‌ها حفظ و معایش بر طرف شده است، وقتی این سه شیوه با هم تلفیق شوند طبیعتاً جاذبیت و ظرافت شعر، آزادی نثر و لطافت سجع در جملات و عبارات بیشتر می‌شود. این روش در قرآن مشاهده می‌شود و اشکالات و معایبی هم که بعضاً در این روش‌ها به چشم می‌خورد در بیان قرآن مشاهده نمی‌شود، این سبک و اسلوب به گونه‌ای بود که بزرگان این فن و فصیحان آن دوران در مقابل قرآن به زانو درآمدند و هر چه تلاش کردند نتوانستند با قرآن مقابله کنند و سوره‌ای مثل سور قرآن بیاورند.

طبری از قول یکی از اهل فن ادب دوران نزول قرآن این جمله را نقل می‌کند که: «فوالله ما هو بشعر و لابسحر و لابهذی جنون و أن قوله لمن کلام الله»<sup>۱</sup> یا کاشف الغطاء می‌گوید: «هكذا اعترف له افضاض العرب و فصحتهم الاولون»<sup>۲</sup>؛ بزرگان و فصحاء عرب در مقابل قرآن اظهار عجز کرده‌اند و اینکه این کلام نه شعر و نه سحر و نه هذیان است و چیزی نیست جز اینکه کلام خداوند تبارک و تعالی است.

رافعی می‌گوید: عرب در آن دوران در نوشتن نثر و سرودن شعر با هم رقابت می‌کردند و به یکدیگر فخر می‌فروختند ولی سبک کلام آنها همیشه بر یک منوال بود اما وقتی قرآن نازل شد آنها دیدند که سبک دیگری به میان آمده، الفاظ همان بود که

۱. جامع البیان، ج ۲۹، ص ۹۸.  
۲. الدین و الإسلام، ج ۲، ص ۱۰۷.

می‌شناختند یعنی پی در پی و بدون تکلف و همراه با یک هماهنگی و همسازی در اوج آمده بودند لذا بلیغان عرب نوعی از سخن را دیدند که تا آن زمان نمی‌شناختند.<sup>۱</sup>

ما خیلی خلاصه و فقط برای اینکه اعجاز بیانی تشریح شود مطالبی را عرض می‌کنیم، نمونه‌های زیادی از این اعجاز بیانی و اینکه هر سه سبک نثر و شعر و سجع در آن تلفیق شده در قرآن وجود دارد از جمله آیات شریفه: «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ، وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ، أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ، تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ»<sup>۲</sup> خداوند متعال در این آیات می‌فرماید: بگوئید آیا بت‌های لات و عزی و منات که سومین آنهاست دختران خدا هستند و آیا سهم شما پسر است و سهم خدا دختر در حالی که دختران به زعم شما کم‌ارزش هستند، در این صورت این تقسیمی ناعادلانه است. صرف نظر از معنای آیات وقتی به این آیات نگاه می‌کنیم می‌بینیم که از ترتیب خاصی برخوردار است به نحوی که نه اختلالی در وزن ایجاد شده و نه قافیه به هم خورده و آن آزادی هم که در نثر وجود دارد در این آیات رعایت شده است، مثلاً اگر می‌گفت افرأیتم اللات و العزی و مناة الثالثة و کلمه الاخری را نمی‌آورد قافیه به هم می‌خورد، یا اگر گفته می‌شد افرأیتم اللات و العزی و مناة الاخری در این صورت هم وزن آیات به هم می‌خورد. نمونه‌هایی از این قبیل آیات زیاد در قرآن مشاهده می‌شود که نگاه دقیق‌تر را ادبای طراز اول عرب که با اشعار دوران جاهلیت مأنوس بوده و هستند می‌توانند داشته باشند و آنها هستند که در قیاس قرآن با کلمات دیگر می‌توانند برتری قرآن را درک کنند و برای این جهت کتاب‌های زیادی توسط بزرگان از ادبا نوشته شده و این مسئله در یک مقایسه جدی با اشعار آن دوران به اثبات رسیده است، البته اعجاز بیانی بیشتر بر جنبه لفظی عبارات تأکید دارد.

**سؤال:** آیا اعجاز بیانی قرآن مختص به زمان نزول قرآن بوده است یا اینکه همه زمان‌ها را شامل می‌شود.

**استاد:** در اینجا بحثی وجود دارد که به آن اشاره خواهیم کرد که آیا تحدی به اتیان به سوره‌ای مثل قرآن اختصاص به جنبه‌های لفظی قرآن؛ یعنی بلاغت دارد یا اینکه تحدی به قرآن اعم از خصوص بلاغت و محتوی و معانی و معارفی است که قرآن وجود دارد که ما قبلاً به این مطلب اشاره‌ای داشتیم که تحدی قرآن به آوردن مثل قرآن به این است که در واقع می‌گوید شما عاجز از آوردن مثل قرآن هستید و این یک معنای عامی دارد که هم جنبه‌های لفظی و بلاغت و هم معارف و معانی قرآن را شامل می‌شود که در این صورت این اعجاز باید ابدی باشد. مثلاً در دوران حضرت عیسی زنده کردن مرده معجزه بود؛ چون یکی از خصوصیات برجسته‌ای که در آن دوران بود این بود که اطباء مرض‌های گوناگون را درمان می‌کردند و این یک فن و هنر در آن عصر بود و یا در دوران حضرت موسی که عصا تبدیل به اژدها شد، سحر و جادو در آن زمان از اهمیت خاصی برخوردار بود، پس معجزاتی که توسط انبیاء در هر دوره و عصری آمده است به یک معنی، اعجاز و ناتوان ساختن مردم آن دوران در مقابل آن معجزه بوده است؛ یعنی معجزه کاری بوده فوق همه کارهایی که مردم آن دوران انجام

۱. اعجاز القرآن، ص ۱۹۰.

۲. نجم/۲۲-۱۸.

می‌دادند لذا جنبه جاودانگی در هیچ کدام از آن معجزات مطرح نبوده است و مختص به همان زمان بوده است ولی در دوران نزول قرآن، بلاغت در اوج بوده و بخاطر همین بوده که معجزه پیامبر(ص) از جنس کتاب بوده و بعضی گفته‌اند برای اعجاز قرآن همین بس که مردم آن زمان که در اوج فصاحت و بلاغت بوده‌اند از آوردن مثل قرآن ناتوان بوده‌اند؛ یعنی در آن دوران نتوانستند کلام بلیغی بیاورند که بتواند با قرآن برابری کند و همچنین گفته‌اند لازم نیست مردم دوران‌های دیگر و اعصار متأخر هم نتوانند مثل قرآن را بیاورند بلکه همین قدر که مردم زمان نزول قرآن نتوانستند مثل قرآن را بیاورند برای اعجاز قرآن کفایت می‌کند که ما گفتیم نه تنها مردم آن زمان نتوانستند مثل قرآن را بیاورند بلکه مردم زمان‌های بعد هم نمی‌توانند مثل قرآن را بیاورند و اعجاز قرآن منحصر در صنایع لفظی و شیوه‌های بیانی نیست بلکه محتوی و معارف قرآن هم محتوایی است که جلوه دیگری از این اعجاز است.

**سؤال:** در معجزه حضرت موسی که عصا تبدیل به اژدها تبدیل می‌شود ماهیت عصا تغییر می‌کند در حالی که محال است ماهیت چیزی عوض شود و از این جهت که ماهیت آن عوض شده معجزه محسوب می‌شود ولی در ما نحن فیه که بحث از اعجاز بیانی قرآن است ماهیت لفظ عوض نشده لکن نحوه چینش الفاظ تغییر کرده است و نفس نو بودن سبک در چینش الفاظ دلیل بر اعجاز نمی‌شود.

**استاد:** همه کارهای این عالم در چارچوب نظام علی و معلولی صورت می‌گیرد لکن تصرف در سلسله علل و معلول به گونه‌ای است که برای ما محال به نظر می‌رسد اما اینکه گفتید در اعجاز بیانی چون ماهیت لفظ تغییر نکرده پس نمی‌تواند معجزه باشد ما در پاسخ عرض می‌کنیم ما نگفتیم نفس نو بودن سبک دلیل بر اعجاز بیانی قرآن است بلکه ما می‌گوییم قرآن سبکی را ارائه داد که تا آن زمان در تاریخ سابقه نداشت و نه تنها مردم آن دوران که بعداً هم کسی نتوانست و نخواهد توانست با این اسلوب بیانی مطالب را بیان کند و کسانی که خودشان در آن زمان از افضاض عرب بوده‌اند ناتوانی خودشان را از آوردن مثل قرآن اظهار کرده‌اند و تا به امروز حتی یک بخش کوچک و سوره کوچکی هم نتوانسته‌اند مثل قرآن بیاورند. ضمناً به این نکته هم توجه داشته باشید که معجزاتی مثل زنده کردن مردگان در یک لحظه اتفاق می‌افتد و بعد از آن هر چه هست نقل است که برای دیگران هم به تواتر می‌رسد و یقین آور می‌شود ولی *إلی یوم القیامه* در مرئی و منظر انسان‌ها نیست و قابلیت این را ندارد که هر روز این اتفاق بیفتد و قرار هم نبوده که این گونه باشد اما قرآن چیزی است که تا روز قیامت در مرئی و منظر انسان‌هاست و اینکه می‌گویند قرآن زنده است یک جهتش این است که اعجاز آن همیشه در حال تجلی است.

دو مسئله اینجا وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد؛ یک مطلب همین بود که عرض کردیم که آیا اعجاز قرآن اختصاص به بلاغت دارد یا معارف و محتوای قرآن را هم شامل می‌شود؟ و مطلب دیگر شبهه‌ای است که در رابطه با اعجاز بیانی قرآن وجود دارد که آن را هم بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»